

مقایسه صفت در زبان‌های روسی و فارسی

حسین لسانی

دانشیار دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران

تاریخ وصول: ۸۳/۳/۱۱

تاریخ تأیید نهایی: ۸۳/۵/۱۷

چکیده

مقاله حاضر، به تشریح وجه تمایز صفت در زبان روسی و فارسی می‌پردازد. در زبان روسی صفت بخاطر داشتن ویژگی‌های جنس، شمار، حالت و پایانه صرفی، متمایز از صفت در زبان فارسی است. ابتدا در مقاله، صفت در هر دو زبان از لحاظ صرفی و سپس خصوصیات نحوی آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. چگونگی تشخیص صفت از سایر اجزاء کلام (части речи) در زبان روسی بررسی می‌شود. نظرات زبان‌شناسان مختلف در مورد صفات و انواع تقسیم‌بندی صفت مورد بحث قرار می‌گیرد. در مقاله ویژگی‌های صفت در زبان روسی بیان می‌شود. سپس ویژگی‌های یاد شده درباره صفت زبان فارسی نیز مطالعه و بررسی می‌شود. گاهی در زبان فارسی، فقط نقش نحوی واژه در جمله می‌تواند صفت را از قید متمایز سازد. در مقاله، نظرات زبان‌شناسان مختلف در مورد زیرمجموعه صفت، در زبان فارسی نیز، بررسی می‌گردد. در پایان، نتیجه تحقیق و بررسی صفات در زبان روسی و فارسی بیان می‌شود.

واژه‌های کلیدی: صفت، موصوف، مسندالیه، مسند، فعل ربطی، فعل گذرا

مقدمه

زبان روسی، یکی از زبان‌های صرفی جهان است. فراگیری این زبان به علت داشتن ویژگی جنس، عدد و حالات صرفی مختلف، برای زبان‌آموزان خارجی با مشکلات زیادی همراه است. در این مقاله کوشش شده است، با مقایسه صفت در زبان روسی و فارسی و توضیح ویژگی‌های هر کدام، کمی از مشکلات فراگیری این زبان را کاهش دهیم.

مقایسه نحوی و صرفی اجزاء کلام، به زبان‌آموزان در فراگیری زبان بیگانه کمک شایانی می‌کند. تجربه چندین ساله تدریس در دانشکده زبان‌های خارجی نشان می‌دهد، در گرایش آموزش زبان، مخصوصاً مقایسه جزء به جزء واژه‌ها در دو زبان، بسیاری از مشکلات زبان‌آموزان در فراگیری زبان بیگانه را از بین می‌برد. مقایسه جزء به جزء واژه‌ها در دو زبان باعث می‌شود، تا زبان‌آموزان از اشتباهاتی، که تحت تأثیر زبان مادری، معمولاً بوجود می‌آید، پرهیز نمایند.

بحث و بررسی

در زبان روسی، صفت به عنوان یکی از اجزاء کلام، بیان‌کننده ویژگی‌های مختلف موصوف است و از لحاظ جنس، شمار و حالت‌های مختلف صرفی، از موصوف پیروی می‌کند.

بلاشاپکوا در کتاب **زبان روسی معاصر** می‌نویسد: «بسیاری از صفات در زبان روسی دارای جنس، شمار، شکل کامل و کوتاه‌اند و در حالت‌های صرفی مختلف، به پیروی از موصوف تغییر می‌کنند» (بلاشاپکوا، ۱۹۸۹، ص ۱۴۴).

یکی از ویژگی‌های صفت در زبان روسی آن است، که برخی می‌توانند به صورت شکل کوتاه معمولاً در نقش گزاره، یا به شکل کامل، معمولاً در نقش گزاره یا نقش وابسته هم‌آهنگ به کار روند.

در زبان روسی صفات کوتاهی وجود دارند که هیچگاه به صورت کامل به کار نمی‌روند. مانند: **горазд, рад** و غیره (دیبرووا، ۲۰۰۱، ص ۷۵).

از دیدگاه فرشیدورد: «صفت کلمه‌ایست غیر از اسم، که همراه اسم یا گروه اسمی می‌آید و معنی آن را مقید می‌کند و توضیحی درباره آن می‌دهد». مانند: این کتاب، آن کتاب، کدام کتاب؟ و غیره (فرشیدورد، ۱۳۸۲، ص ۲۵۲).

در تقسیم‌بندی انواع صفت در زبان فارسی، زبان‌شناسان دارای نظریات مختلفی‌اند. تعداد زیادی از آن‌ها، عدد، ضمائر اشاره، ضمائر مبهم و ضمائر پرسشی را جزء صفات پیشین یا پسین به شمار می‌آورند.

در زبان روسی، در تقسیم‌بندی انواع صفت، ضمائر و اعداد جزء صفات محسوب نمی‌شوند.

تقی وحیدیان کامیار در کتاب خود **دستور زبان فارسی (۱)** از صفات، به عنوان وابسته‌های پیشین و پسین اسم، نام می‌برد و برای هر کدام، زیر مجموعه‌های زیادی قائل می‌شود (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۱، ص ۶۹).

در زبان روسی، صفت را به خاطر داشتن ویژگی پایانه صرفی، تغییر آن از لحاظ جنس، شمار و حالت‌های صرفی مختلف، به پیروی از موصوف، از سایر اجزاء کلام مشخص می‌کنند.

محمدجواد شریعت عقیده دارد: «اسمی که نقش صفت را انجام می‌دهد، باید وصف نامید، تا در دستور زبان دارای دو اصطلاح صفت و وصف باشیم و هم تمایزی بین این دو اصطلاح داشته باشیم» (محمدجواد شریعت، ۱۳۷۵، ص ۲۶۰).

در زبان فارسی، یک واژه، به لحاظ شکل ظاهری خود می‌تواند هم قید باشد و هم صفت. مثل **خوب**، **بد**، **زیبا** و غیره. در موارد مشابه فقط نقش نحوی کلمات باعث تشخیص آن‌ها از یکدیگر می‌شود. مانند:

او جوان **خوبی** است، او **خوب** می‌نویسد.

صفت قید

شایان ذکر است، در زبان آلمانی نیز صفت، مانند زبان روسی، دارای ویژگی‌های مشابهی‌اند. «در زبان آلمانی صفت وصفی به اعتبار جنس دستوری، شمار و حالت صرف می‌شود، در حالی که در زبان فارسی هیچ‌گونه مطابقت دستوری بین صفت و هسته اسمی مشاهده نمی‌شود» (البرزی،

کاستامارف زبان‌شناس معروف روسی عقیده دارد، در زبان روسی تعداد محدودی صفات غیرقابل تغییر (несклоняемое прилагательное) وجود دارد، که از زبان‌های اروپایی به زبان روسی وارد شده‌اند. مانند: беж, люкс, макси, мини و غیره (کاستامارف، ۲۰۰۳، ص ۴۰۳).

در زبان روسی و در زبان فارسی، گاهی صفت بدون موصوف به‌کار می‌رود، در این صورت این‌گونه صفات در جمله نقش اسم را ایفا می‌کنند. به مثال‌هایی در زبان فارسی توجه کنید:

مثال‌های زبان فارسی: دانشمند آمد. - مرد دانشمند آمد.

اسم صفت

بعد از بررسی مثال‌های زبان فارسی، به مثال‌های مشابه‌ای در زبان روسی دقت کنید:

Рабочий пришёл

اسم

Рабочий день кончился.

صفت

در زبان فارسی، صفاتی که معمولاً بعد از موصوف می‌آیند، صفت پسین و چنانچه پیش از اسم بیاید، مانند: آن، این، صفت پیشین گویند (رزمجو، حسین، رکنی، محمدمهدی، ۱۳۶۹، ص ۲۲۳).

در زبان فارسی برخی از صفات پیشین، مانند زبان روسی، قبل از موصوف می‌آیند، این‌گونه صفات شامل صفات اشاره (این، آن)، صفات پرسشی (چه، چگونه، کدام، کدامین و غیره) صفت مبهم (همه، هر، فلان و غیره)، صفات شمارشی (عدد) (یک، دو، دومین، سومین، یک چهارم، چهار تا چهار تا و غیره) می‌باشند.

در زبان روسی، صفت کامل قبل از موصوف می‌آید و معمولاً از لحاظ جنس، شمار و حالت‌های صرفی مختلف از موصوف پیروی می‌کند. (کاساتکین، ۲۰۰۱، ص ۵۴۵).

بعد از بررسی ویژگی‌های صرفی صفت در زبان فارسی و روسی و اشاره به تقسیم‌بندی آن‌ها، به بحث و تجزیه و تحلیل ویژگی‌های نحوی صفات در هر دو زبان می‌پردازیم.

در زبان روسی، صفات کوتاه، مانند صفات پسین زبان فارسی، بعد از موصوف می‌آیند و همیشه نقش گزاره‌ای را ایفا می‌کنند، مانند: Эта

книга интересна.

صفت کوتاه در نقش گزاره موصوف در نقش نهاد

در زبان روسی و فارسی، صفات می‌توانند، به خاطر معنی لغوی (лексическое значение) خود دارای متمم (дополнение) باشند. متمم صفت در زبان روسی، در حالات صرفی مختلف قرار می‌گیرد و در زبان فارسی معمولاً با حرف اضافه به صورت متمم یا در حالت رایجی (прямое дополнение) بیان می‌شود. مثال در زبان روسی:

1. Иран богат нефтью.

متمم صفت کوتاه

2. Иран беден водой.

متمم صفت کوتاه

3. Ласковая с детьми воспитательница пользуется в детском саду

موصوف متمم صفت کامل

БОЛЬШОЙ ЛЮБОВЬЮ.

مثال در زبان فارسی:

۱- او از من بزرگتر است.

متمم صفت برتر

۲- او را عاقل تصور می‌کردم.

موصوف صفت

در مثال‌های ۱، ۲ و ۳ زبان روسی، همانطوری که مشاهده می‌کنید، صفت‌های کوتاه **богат** و **беден** و صفت کامل **ласковая** به خاطر معنی لغوی خود، از یک سو، در کنار خود متمم **с нефтью, водой, детьми** را دارند و از طرف دیگر از لحاظ جنس شمار، از موصوف **воспитательница**، **Иран** پیروی کرده‌اند.

در زبان فارسی، صفات برتر، می‌توانند در کنار خود، متمم یا متمم رایبی (**прямое дополнение**) داشته باشند. گاهی صفت تحت تأثیر فعل گذرا می‌تواند متمم رایبی داشته باشد.

در جمله شماره ۱ زبان فارسی، ساختار نحوی صفت برتر **بزرگتر**، باعث شده که متمم از من را در کنار خود بطلبد. به عبارت دیگر، معنی لغوی صفت برتر در زبان فارسی، می‌تواند در کنار خود متمم با حرف اضافه از یا متمم با حرف اضافه دیگر را داشته باشد. مثال:

غذای امروز از غذای دیروز خوشمزه‌تر است (غذای امروز نسبت به غذای دیروز

متمم

صفت برتر

متمم

خوشمزه‌تر است)

صفت برتر

در زبان روسی شکل ساده صفت برتر، گزاره یا بخشی از گزاره را تشکیل می‌دهد. مانند:

Он лучше меня. Он был лучше меня

گزاره اسمی گزاره

(گراسیمنکو، ۲۰۰۳، ص ۱۷۴)

در صورتی که صفت مطلق را در نظر بگیریم، مشخص می‌شود که این صفت معمولاً بدون متمم به کار می‌رود و در کنار خود فقط موصوف دارد. مانند: کتاب جالب روی میز است.

در مثال شماره ۲ زبان فارسی، صفت و موصوف به خاطر وابستگی به فعل گذرای تصور می‌کردم، از لحاظ نحوی ساختار جالبی دارد. در جمله یاد شده، موصوف او را در حالت رایبی قرار گرفته است، در صورتی که صفت، از لحاظ صرفی از موصوف پیروی نکرده و در حالت رایبی قرار نگرفته است. این‌گونه ساختارها در جملاتی، که صفت بعد از موصوف به کار می‌روند، بیشتر دیده می‌شوند.

در زبان فارسی، معمولاً صفت و موصوف از لحاظ نحوی یا در حالت متممی یا در حالت رایبی قرار می‌گیرند و از یکدیگر پیروی می‌نمایند. این‌گونه ساختارها نیز، در جملاتی که دارای صفت پسین‌اند، به چشم می‌خورند.

من از برادر کوچک شما بزرگترم.

گروه متممی

در جمله یاد شده، ترکیب صفت و موصوف برادر کوچک، تحت تأثیر خصوصیات نحوی صفت برتر بزرگتر، با حرف اضافه از در حالت متممی قرار گرفته است.

با توجه به آنچه که گفته شد، (مثال شماره ۲ زبان فارسی)، می‌توان ادعا کرد، در برخی از ساختارها، تحت تأثیر فعل گذرای جمله، صفت و موصوف می‌توانند در حالت‌های مختلف صرفی قرار گیرند. در برخی از ساختارها، صفت و موصوف تحت تأثیر صفت برتر می‌توانند هر دو با حرف اضافه، در حالت متممی قرار گیرند یا تحت تأثیر فعل گذرا، در سایر حالت‌های مختلف صرفی، بیان شوند.

آنچه در بالا گفته شد در مورد زبان روسی نیز صادق است. در زبان روسی صفت از موصوف معمولاً از لحاظ جنس، شمار و حالت صرفی

پیروی می‌کند. مثال:

Он купил интересную книгу.

موصوف صفت

در جمله بالا صفت **интересную** از لحاظ جنس، شمار و حالت صرفی رایبی از موصوف **книгу** پیروی کرده است. در زبان روسی، در برخی ساختارها، صفت از لحاظ برخی از ویژگی‌ها (شمار، جنس، حالت صرفی) ممکن است از موصوف پیروی کامل داشته یا نداشته باشد:

۱- صفت ممکن است از هر سه ویژگی پیروی کند، مانند: **Хороший дом**.

موصوف صفت

در ترکیب بالا، صفت **хороший** از لحاظ سه ویژگی: جنس، شمار و حالت صرفی از اسم پیروی کرده است.

۲- گاهی ممکن است، صفت از لحاظ دو ویژگی شمار و حالت صرفی از موصوف پیروی کند، مانند: **Интересные книги**.

در مثال بالا، صفت **интересные**، فقط از لحاظ دو ویژگی شمار و حالت صرفی، از موصوف خود پیروی کرده است.

در بعضی از ساختارها صفت در ترکیب با اعداد ۲، ۳، ۴ در حالت فاعلی از هیچ یک از خصوصیات موصوف تبعیت نمی‌کند. **Два хороших дома**

хороших дома

موصوف صفت

گاهی در زبان روسی، در برخی از ساختارها، تحت تأثیر معنی لغوی فعل جمله، صفت و موصوف از لحاظ برخی ویژگی‌ها از یکدیگر پیروی نمی‌کنند. مانند:

Он пришёл первым.

گزاره

در زبان روسی، ترکیب **пришёл первым** گزاره جمله محسوب می‌شود. صفت از یک سو از لحاظ جنس، شمار از فاعل **он** و از سوی دیگر از لحاظ حالت صرفی از فعل **пришёл** تبعیت کرده است.

در زبان فارسی، ساختارهای مشابه‌ای نیز وجود دارند. (به یک مورد آن قبلاً اشاره شد). به نظر فرشیدورد برخی از افعال زبان فارسی، که به افعال ناقص متعدی موسوم‌اند، می‌توانند، از نقطه‌نظر معنی لغوی خود، موصوف را در یک حالت (معمولاً رایبی) و صفت را در حالت دیگر قرار دهند (فرشیدورد، ۱۳۸۲، ص ۲۵۹).

در زبان روسی، در صورتی که صفت در جمله با فعل ربطی همراه باشد، صفت می‌تواند هم به صورت کوتاه و هم به صورت کامل به کار رود و گزاره جمله محسوب می‌شود.

Эта книга интересная.

صفت کامل موصوف

Эта книга интересна.

صفت کوتاه موصوف

در زبان فارسی، ساختارهای یاد شده فقط به یک صورت بیان می‌شوند. زیرا در زبان فارسی، صفت فقط به یک شکل به کار می‌رود. به عبارت دیگر در زبان فارسی، صفت کوتاه وجود ندارد.

دو مثال زبان روسی، در زبان فارسی فقط به یک صورت بیان می‌شود:

این کتاب جالب است.

مسندالیه مسند فعل ربطی

در جمله بالا، مسند از یک طرف برای مسندالیه، صفت و از سوی دیگر، کامل‌کننده فعل ربطی محسوب می‌شود.

حسین علی یوسفی در **دستور زبان فارسی ۱ و ۲** می‌نویسد، نقش صفت به همراه موصوف خود در زبان فارسی، بیشتر وصفی است، اما چنانچه

در جمله‌ای صفت بدون موصوف به کار رود، می‌تواند نقش‌های بیشتری را ایفا کند (یوسفی، ۱۳۷۹، ص ۵۶). مانند:

۱- **سخنران**، نسنجیده سخن نمی‌گوید.

نهادی

۲- یاوه‌گویی، از سخنران انتظار نمی‌رود.

متممی

۳- بیهوده‌گویی، نشان سخنران نیست.

اضافی

در زبان فارسی، قیود می‌توانند برای صفت محدودیت ایجاد نمایند. مانند:

کمی زشت، اندکی خوب.

قید صفت قید صفت

در زبان روسی، معمولاً این محدودیت، با افزودن پیشوند به صفت برتر، به وجود می‌آید. مانند: Побольше, поменьше

گاهی در زبان روسی، پیشوند می‌تواند ویژگی‌های موصوف را به مقدار بسیار زیاد و برعکس، بیان کند. مانند: наибольший

наименьший (بیشترین، کمترین)

در زبان فارسی، برای ساخت صفت، از پیشوند نیز استفاده می‌شود. پیشوند هم برای بیان مشارکت و پیشوند نا برای بیان نفی به کار می‌رود.

مانند همسر و نابسامان (فرشیدورد، ۱۳۸۲، ص ۲۸۱).

یکی از ویژگی‌های صفت در زبان روسی، که در زبان فارسی وجود ندارد، پیروی صفت از موصوف از لحاظ جنس و شمار است. در زبان

فارسی، صفت از موصوف خود از لحاظ جنس (به خاطر عدم وجود جنس دستوری در زبان فارسی) و از لحاظ شمار پیروی نمی‌کند. مثال: کشور

بزرگ، کشورهای بزرگ

موصوف صفت موصوف صفت

در زبان روسی، معمولاً از طریق دگرگونی در ریشه برخی صفات، صفت برتر ساخته می‌شود. مانند:

маленький – меньше, плохой – хуже, хороший - лучше

در زبان فارسی نیز در ساخت برخی از صفات تفصیلی دگرگونی مشابه‌ای رخ می‌دهد. مانند: خوب – بهتر

گاهی در زبان روسی، جنس واقعی (реальный пол) موصوف، به وسیله صفت بیان می‌شود. (شودووا، ۱۹۹۰، ص ۲۱۹)

در زبان روسی، اسامی هم دارای جنس دستوری (грамматический пол) و هم دارای جنس واقعی‌اند. برای بیان جنس واقعی

واژه‌هایی که دارای جنس مشترک‌اند (общий род) صفت، نقش مهمی را ایفا می‌کنند. به عبارت دیگر، صفت در این‌گونه موارد، نقش مهمی را

برای تشخیص جنس اسامی که جنس مشترک دارند، ایفا می‌کنند. مانند:

маленький-маленькая Саша

در زبان روسی بخش اعظم صفات کیفی می‌توانند به قید تبدیل شوند. اکثر این قیود به O, e یا и ختم می‌شوند. مانند: светлый

светло, похожий – похоже, отеческий - отечески (تیخونف، ۲۰۰۲، ص ۲۶۵).

در دستور زبان پنج استاد، از صفت‌های مرکب که غالباً به واسطه یکی از اجزاء خود، به موصوف مرتبط می‌شود، نام برده می‌شود. مثال: مرد

روشندل، که روشنی صفت دل است و مجموع روشندل صفت مرد. (دستور زبان پنج استاد، ۱۳۸۰، ص ۶۱).

گاهی در زبان فارسی، می‌توان صفت را بدون مسندالیه و فعل ربطی در جمله بکار برد. در این‌گونه ساختارها ضمیر متصل که به صفت متصل

می‌شود، نشان‌دهنده مسندالیه است. مانند: خوشحالم (ماهو تیان، ۱۳۸۲، ص ۶۱) زبان روسی عاری از چنین ویژگی است. به عبارت دیگر، در زبان

روسی ضمائر متصل وجود ندارند.

نتیجه‌گیری

با بررسی و تحقیق بر روی صفات در زبان روسی و فارسی، می‌توان نتایج زیر را برشمرد:

- صفت در زبان روسی، به خاطر داشتن جنس، شمار، پایانه صرفی و تغییر در حالت‌های صرفی از زبان فارسی متمایز است.

- صفت در زبان فارسی، معمولاً فقط در دو حالت متممی و رایی می‌تواند با موصوف خود هماهنگی داشته باشد، در صورتی که در زبان روسی، در شش حالت صرفی می‌تواند با یکدیگر هم‌آهنگی داشته باشند.
- صفت برتر، هم در زبان فارسی، هم در زبان روسی می‌تواند متمم داشته باشد.
- در زبان روسی، صفت به علت داشتن ویژگی‌های جنس، شمار، پایانه صرفی و تغییر در حالت‌های صرفی، به خوبی از سایر اجزاء کلام متمایز می‌شود.
- در زبان فارسی، صفت به علت نداشتن ویژگی‌های جنس، شمار و پایانه صرفی، به راحتی از سایر اجزاء کلام، متمایز نیست. برای تشخیص صفت از سایر واژه‌ها، زبان‌شناسان روش‌هایی را ارائه کرده‌اند.
- صفت می‌تواند در زبان فارسی تحت تأثیر فعل گذرا (فعل متعدی ناقص) جمله، بر خلاف موصوف خود، در حالت دیگری (معمولاً رایی) قرار گیرد.
- صفت و موصوف، معمولاً در زبان روسی و فارسی، به غیر از موارد استثنایی، از لحاظ صرفی در یک حالت قرار می‌گیرند.
- در زبان روسی، صفت می‌تواند برای اسامی که دارای جنس مشترک‌اند، تعیین‌کننده جنس آن‌ها باشد. این ویژگی در زبان فارسی، به علت عدم وجود ویژگی جنس، وجود ندارد.

منابع

- ۱- البرزی ورکی، پرویز، *بررسی مقایسه‌ای صفت در زبان‌های فارسی و آلمانی*، مجله پژوهش زبان‌های خارجی، شماره ۱۴، تهران، ۱۳۸۲.
- ۲- رزمجو، حسین، رکنی، محمدمهدی، *فارسی و آئین نگارش*، شرکت چاپ و نشر ایران، تهران، ۱۳۶۹.
- ۳- شریعت، محمدجواد، *دستور زبان فارسی*، اساطیر، تهران، ۱۳۷۵.
- ۴- فرشیدورد، خسرو، *دستور مفصل امروز*، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۲.
- ۵- قریب، عبدالعظیم و ملک‌الشعراى بهار، *بدیع‌الزمان فروزانفر*، جلال همایی، رشید یاسمی، *دستور زبان فارسی* (پنج استاد)، مؤسسه نشر جهان دانش، تهران، ۱۳۸۰.
- ۶- ماهوتیان، شهرزاد، *دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی*، سمائی مهدی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۲.
- ۷- وحیدیان کامیار، *دستور زبان فارسی (۱)*، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهی (سمت)، تهران، ۱۳۸۱.
- ۸- وزین‌پور، نادر، *دستور زبان فارسی*، انتشارات معین، تهران، ۱۳۶۹.
- ۹- یوسفی، حسین علی، *دستور زبان فارسی ۱ و ۲*، نشریه روزگار، تهران، ۱۳۷۹.
- 10- Белошاپкова В.А., *Современный русский язык*, высшая школа, Москва, 1989.
- 11- Герасименко Н.А., *Русский язык, АСАДЕМА*, Москва, 2003.
- 12- Диброва Е.И., *Современный русский язык*, АСАДЕМА, Москва, 2001.
- 13- Касаткин Л.Л., *Русский язык*, АСАДЕМА, Москва, 2001.
- 14- Кастомаров В.Г., *Современный русский язык*, ГАРДАРИНКИ, Москва 2003.
- 15- Тихонов А.Н., *Современный русский язык*, ЦИТАДЕЛЬ-ТРЕЙД, Москва 2002.
- 16- Шведова, Н. Ю., *Русская грамматика*, АКАДЕМИЯ НАУК СССР, ИНСТИТУТ РУССКОГО ЯЗЫКА, Москва, 1990.